



تأثیرات متقابل منازعات ملی-منطقه‌ای بر دولت-ملت‌سازی ناقص در عراق*



نصراله داودوندی** - دکتر افشین زرگر***
دکتر رضا شیرزادی****

چکیده

دولت-ملت‌سازی فرایندی است که از طریق انباشت قدرت مبتنی بر اشباع سرزمینی، ثبات سیاسی-اقتصادی و هم‌بستگی اجتماعی معنی پیدا می‌کند. اما این روند در خاورمیانه با نواقصی همراه شد که منازعه‌های طولانی مدت حاصل از آن، هم‌زمان با تحولات نوین جهانی، این منطقه از جهان را با خطر واگرایی و حتی تجزیه دولت-ملت‌ها مواجه کرده است. عراق به عنوان یکی از کشورهای این منطقه در آغاز هزاره سوم، علی‌رغم گذار از نظامی دیکتاتوری به ساختاری دموکراتیک، در احاطه منازعات ملی-منطقه‌ای قرار گرفته است. این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی با تبیین روند متفاوت دولت-ملت‌سازی در عراق و بررسی انواع منازعات دامنه‌داری که مانع از پیدایش دولتی کارآمد و ملتی منسجم در این کشور شده، به دنبال پاسخ به این سوال است که؛ منازعات ملی-منطقه‌ای و روند دولت-ملت‌سازی در عراق چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ نتایج مطالعات نشان می‌دهد رابطه‌ای دوسویه و معکوس بین این دو برقرار است. بدین مفهوم که روند ناقص دولت-ملت‌سازی منازعات متعددی را ایجاد کرده که به تداوم این روند معیوب و نهایتاً به تشدید و گسترش منازعات ملی-منطقه‌ای منجر شده است.

کلیدواژگان

امنیت ملی- منطقه‌ای، منازعه منطقه‌ای، دولت- ملت‌سازی، همبستگی ملی، ثبات سیاسی- اقتصادی، اشباع سرزمینی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نصراله داودوندی با عنوان «بررسی ارتباط بین منازعه‌ها و تعارضات منطقه‌ای با روند دولت-ملت‌سازی در خاورمیانه - ۲۰۱۸ - ۲۰۲۰» و راهنمایی دکتر افشین زرگر است.

** دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

*** نویسنده مسئول، عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران/

ایمیل: zargar.a2003@gmail.com

**** عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم هیچ منطقه‌ای در جهان به اندازه خاورمیانه شاهد منازعه‌ها نبوده است. به عبارتی این منطقه به عنوان قلب انرژی جهان، مرکز ادیان الهی و صاحب تمدنی کهن، در سده اخیر، کانون منازعات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است.

اعتراضات فراگیر ۲۰۱۱ خاورمیانه، کودتای ۲۰۱۶ ترکیه، تداوم و تشدید جنگ داخلی افغانستان و تسری آن به عراق، سوریه و لیبی، جنگ عربستان علیه یمن، منازعه داخلی گروه‌های فلسطینی، تجزیه‌طلبی در عراق و شورش‌های متناوب مردمی در لبنان و برخی کشورهای منطقه، نمونه‌های بارزی از انواع منازعه‌ها و گستره و شدت آن در خاورمیانه هستند.

دولت-ملت مدرن نیز در اروپا در سیری تاریخی و پویایی درونی تحقق یافت اما در خاورمیانه بدون توجه به پیشینه تاریخی-فرهنگی-سیاسی و هویت ملت‌ها، دولت‌هایی بر آنها تحمیل شد که عموماً هیچ‌گاه بین این دو پیوندی مستحکم برقرار نشد. با این وجود دولت-ملت‌سازی در قرن جدید نیز متفاوت از قرن بیستم پیش رفت. مؤید آن «ناآرامی‌های ۲۰۱۱ خاورمیانه است که ضعف نهاد دولت و نهادینه شدن مفهوم ملت، در نظم منطقه‌ای را نشان داد» (Ellison, 2015: 2-11). چنین تفاوتی را می‌توان ناشی از آزاد شدن کشورها از ساختار دوقطبی، فروپاشی شوروی و تحولاتی نظیر جهانی شدن، تقویت نقش سازمان‌های بین‌المللی و افزایش قابل توجه دولت-ملت‌های جدید برشمرد. لذا با توجه به محوریت عنصر دولت-ملت^۱ و اولویت موضوعی جنگ و صلح در روابط بین‌الملل، بررسی روند دولت-ملت‌سازی در عراق و شناخت میزان و نحوه ارتباط آن با منازعات موجود، از اهمیتی دوچندان برخوردار است.

امروزه دولت-ملت‌سازی و منازعه‌های دامنه‌دار و فراگیر، از مسائل بنیادین عراق هستند و علی‌رغم استقرار دولت دموکراتیک پسادام، این کشور با تشدید منازعات دیرین مواجه شده است. بر این اساس سؤالی قابل طرح است که؛ منازعات ملی-منطقه‌ای و روند دولت-ملت‌سازی در عراق چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟

در این راستا به روش توصیفی-تحلیلی روند ناقص دولت-ملت‌سازی و منازعه‌های موجود در عراق و تأثیر متقابل این دو بر یکدیگر مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. و راه کارهایی که ارائه خواهد شد با دقیق‌تر و عملیاتی‌تر شدن آن توسط دیگر محققین روابط بین‌الملل، امید به استقرار دولت‌هایی کارآمد و ملت‌هایی منسجم در خاورمیانه را متناسب با تاریخ، ایدئولوژی، تمدن، زبان و هویت‌های ملی-منطقه‌ای آنها افزایش خواهد داد.

¹. Nation-state

². Descriptive-explanatory

۱- پیشینه

ارتباط داعش با دولت شکننده در عراق در مقاله «شکندگی دولت و نابسامانی جامعه عراق بستری برای ظهور و گسترش داعش»، توسط حاجی‌یوسفی و حسین‌زاده (۲۰۱۹) تبیین شده، اما به نواقص دولت-ملت‌سازی در این کشور و سایر منازعات ناشی از آن، توجه چندانی نشده است. همچنین خسروی و یزدانی (۲۰۱۹) در مقاله «آینده عراق و سناریوهای مربوط به آن» به نقایص ساختار سیاسی و منازعات پرداخته‌اند، اما صرفاً به تبیین منازعات و نقش کنشگران داخلی و خارجی اکتفا نموده‌اند. ستوده و بدرآبادی (۲۰۱۹) هم در مقاله‌ی «بررسی ابعاد بی‌ثباتی سیاسی در عراق جدید» بدون اشاره به روند ناقص دولت-ملت‌سازی و ارتباط آن با منازعات موجود، تقابل گروه‌های مختلف قومی-مذهبی و خشونت‌های حاصل از آن را صرفاً با تأکید بر رقابت‌های سیاسی، بر بستر بافت ناهمگون اجتماعی تبیین نموده‌اند.

زمینه‌های تاریخی-اجتماعی تعارضات و نحوه ایجاد شکاف‌های سیاسی-اجتماعی در کتاب «جامعه‌شناسی امنیتی عراق به قلم گلچین و امیری‌مقدم (۲۰۱۸) مورد واکاوی قرار گرفته، اما به تأثیر شکاف‌های موجود بر گسترش و تعمیق منازعه‌های دیرین اشاره نکرده‌اند. در مقاله‌ی «نهاد دولت در خاورمیانه عربی پس از حوادث ۲۰۱۱» زیبایی (۲۰۱۸) تلاش کرده تأثیر متفاوت ناآرامی‌های ۲۰۱۱ را بر نهاد دولت در اشکال مختلف آن، تبیین نماید. اما به منازعه‌ها و ساخت ناقص ملت‌ها اهمیت چندانی نداده است.

همچنین در مقاله «نقش آمریکا در دولت-ملت‌سازی در افغانستان و عراق»، ابطحی و ترابی (۲۰۱۵) تحلیل جامعی از چالش‌های دولت-ملت‌سازی بیرونی ارائه داده‌اند، اما تبیین دقیقی از تأثیر دولت-ملت‌سازی ناقص بر شیوع منازعات و پیامد آن بر روند دولت-ملت‌سازی در عراق و افغانستان صورت نگرفته است. قوام و زرگر (۲۰۰۸)، در کتاب «دولت-ملت‌سازی و نظریه‌های روابط بین‌الملل» نوشته بدون پرداختن به پیامدهای دولت-ملت‌سازی ناقص، با تبیین الگوی جامع دولت-ملت‌سازی، امکان مطالعات هدفمند در این حوزه را تسهیل نموده‌اند.

با این اوصاف تحقیق جامعی که به روند ناقص دولت-ملت‌سازی و منازعات داخلی و پیرامونی و ارتباط بین آنها در عراق، توأمان پرداخته باشد وجود ندارد. دستیابی به این مهم، همراه با ارائه راهکارها، هدف این مقاله خواهد بود.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- دولت-ملت‌سازی

ملت‌سازی، روندی جامعه‌شناختی است که تعداد متناهی از مردم در سرزمینی مشخص، با کم‌رنگ شدن تعلقات قومی، قبیله‌ای، نژادی، جنسیتی و زبانی، به هویتی مشترک دست می‌یابند.

به عبارتی «ملت‌سازی، همگرایی وسیع بین دولت و ملت مدرن قلمداد می‌شود» (Stephenson, 2005). اما «دولت‌سازی فرایندی است که در آن نهادهای نظامی، قضایی، اجرایی و مقننه شکل می‌گیرند» (Lukitz, 1995: 204). بدین ترتیب «دولت و ملت دو سازه متمایزند اما در ارتباطی متقابل به پیش می‌روند» (Zagar, 2007: 112-117). در بین مدل‌های مختلف دولت-ملت‌سازی مدل اروپایی الگویی آرمانی است که ابتدا، ملت در پویشی درونی شکل گرفته و در سیری تاریخی، اقدام به تاسیس نهاد دولت نموده است. اما در خاورمیانه دولت‌های اروپایی، دولت را بر مردمانی با چندگانه‌های قومی، مذهبی، زبانی و فرهنگی با جنگ‌ها و دسیسه‌ها، تحمیل نمودند. علیرغم روندهای متفاوت دولت-ملت‌سازی، کارکرد مشابهی از آنها انتظار می‌رود که در چارچوب «الگوی جامع دولت-ملت‌سازی» (Ghavam & Zagar, 2008: 112-117). قابل تبیین هستند.

۲-۱-۱- الگوی جامع دولت-ملت‌سازی

الگوی جامع دولت-ملت‌سازی چارچوبی علمی برای ارزیابی روندمعیوب یا مطلوب دولت-ملت‌های مختلفی است که از آنها کارکرد مشابهی برای دستیابی به اشباع سرزمینی، انسجام ملی و ثبات سیاسی-اقتصادی، انتظار می‌رود.

۲-۱-۱-۱- اشباع سرزمینی

در یک کشور، دولت و ملت باید به اشباع سرزمینی برسند. یعنی هیچ تهدیدی از درون یا بیرون متوجه سرزمین آنها نباشد. «انباشت متوازن قدرت» برای گذر از این تهدیدها ضروری است. با این حال «مسائل قومی، گاهی مخدوش کننده اشباع سرزمینی است» (Imamjomehzadeh and Heshmati, 2014: 124) که در خاورمیانه از مهم‌ترین موانع دولت-ملت‌سازی مطلوب محسوب می‌شود.

۲-۱-۱-۲- همبستگی ملی

انسجام ملی در یک قلمروی جغرافیایی موتور محرک توسعه، قلمداد می‌شود. «هویت تاریخی، مذهب، زبان، ادبیات، موسیقی، مناسبات ملی-مذهبی در کنار سرزمین مشترک، عوامل تقویت انسجام ملی هستند» (Imamjomehzadeh & Heshmati, 2014: 124). این اشتراکات تاریخی، جغرافیایی و مذهبی، عناصر سنتی ملت‌سازی محسوب می‌شوند.

۲-۱-۲-۱- عناصر سنتی ملت‌سازی

زبان مشترک: ابزاری قوی در نزدیک کردن ادراک و اذهان ملت‌ها و «زیربنای فهم سایر ابزارها

¹. Territorial satiation

². Traditional elements

و مؤلفه‌های ملت‌سازی است» (Pour Ezzat and Attar, 2009: 184). لذا «زبان برای موجودیت ملت‌ها ضرورت دارد» (Alem, 2007: 155-156).

ایدئولوژی: ^۱هم مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌هایی است که نقش ممتازی در هویت اشتراکی ملت‌ها دارد.

وفاداری سرزمینی: و احساس تعلق به سرزمینی مشخص، حسب شاخص‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی، ژئواستراتژیکی و تاریخ ملت‌ها متفاوت است.

تمدن: ^۲تمدن که محصول فرهنگ، هنر، ادبیات، اسطوره‌ها، تاریخ، تجربه‌ها و جهان‌بینی مشترک است، در انسجام‌بخشی ملی چنان اهمیتی دارد که برخی واحدها، درصددند مصادیق تمدنی دیگران را تصاحب شوند.

قومیت: واحد نیز به انسجام ملی کمک زیادی می‌کند. با این وجود «ملت‌ها عموماً متعلق به گروه‌های نژادی و قبیله‌ای مختلف هستند» (Alem, 2007: 157). و تقریباً در هیچ کشوری قومیت واحد وجود ندارد. اما تجربه اروپائیان نشان داد که انسجام‌بخشی به این گوناگونی‌ها امکان‌پذیر است.

تهدید مشترک: این مورد عصیت‌های مختلف را منسجم می‌کند، اما «با حذف یا طرد دشمن مشترک، دامنه اختلافات بالا می‌گیرد و ممکن است نیروهای به هم پیوسته از هم گسیخته شوند» (HoseiniNejad, 2017). روایتی که در افغانستان با شکست شوروی تحقق یافت.

بدین‌سان ملت‌هایی که از تاریخ طولانی‌تری برخوردارند به‌طور طبیعی به همبستگی نسبی رسیده‌اند. اما ابزارهای مدرنی نظیر؛ قانون، ناسیونالیسم، تقسیم کار، حقوق‌شهروندی ^۳ و جامعه مدنی ^۴ در ظهور دولت-ملت مطلوب، تاثیر بیشتری دارند.

۱-۲-۱-۲- عناصر مدرن ملت‌سازی

قانون‌مندی و نهادسازی: این مورد «حذف مقررات اضافی، فساد و خشونت را مهار می‌سازد» (Pour Ezzat, 2008: 285). همچنین «دولت قانون‌مند قادر است مانع جدایی بین حکمرانان و مردم شود» (Saadat and etl., 2012: 76). لذا برابری حاصل از پای‌بندی به قانون، تعصبات قومی-مذهبی را به شدت کاهش و تعهد در برابر منافع ملی را افزایش می‌دهد.

ناسیونالیسم: که به عنوان ایدئولوژی نوین، فرد را به ملت پیوند زد و ملت را با دولت مرتبط نمود. «در اروپا، توانست پلی میان جوامع سنتی و دولت‌های مدرن باشد» (Ghavam and Qeisari,

¹. Ideology

². Civilization

³. Citizenship Rights

⁴. Civil Society

2012: 14). بدین ترتیب ناسیونالیسم مدنی^۱ منبع الهام شهروندان در ایثار و فداکاری برای ساختن کشورهای مدرن شد.

توسعه ارتباطات اجتماعی: این مورد نیز با احداث جاده‌ها، خطوط ریلی-هوایی-دریایی (سخت‌افزاری) و گسترش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی (نرم‌افزاری) عاملی مهم در انسجام ملی است. بخصوص «رسانه‌ها که با دارا بودن ویژگی تعاملی و اشتراک‌گذاری، فضای نوینی را در عرصه کنش‌گری ایجاد کرده‌اند» (Khaniki and Babae, 2011: 71).

دگرسازی: مهم‌ترین عنصر سلبی دولت-ملت‌سازی، به معنی مستثنی کردن و متمایز دانستن خود از دیگری است. «هویت برای اعلام موجودیت، نیازمند تفاوت است و این تفاوت را به دیگری بودن تبدیل می‌کند» (Ghorbani and Farajirad, 2016: 166). دگرسازی افراطی در آمریکا به ساخت دشمنی بیرونی (اروپا، شوروی و تروریسم) تبدیل شده است. تقسیم کار عادلانه و توزیع منصفانه: این امر فرصت‌ها و ثروت‌ها در اقصی نقاط یک کشور هم، نوعی حس یگانگی در پیش‌برد منافع ملی و توسعه اقتصادی ایجاد می‌کند که در طولانی مدت افراد مختلف از مزایای نسبی آن بهره‌مند خواهد شد.

حقوق شهروندی: این حقوق که نتیجه پای‌بندی به قانون در طولانی مدت و نهادینه شدن ذهنی آن، ناظر به وضعیتی است که تمامی افراد یک جامعه از نظر مسئولیت‌ها، تکالیف، حقوق و امتیازات در شرایط نسبتاً برابری قرار می‌گیرند» (Sinaee, 2016: 35-36). رعایت آن ضمن ایجاد همبستگی ملی، زمینه جذب نخبگان فکری، اقتصادی و سیاسی دیگر کشورها را نیز فراهم می‌کند. جامعه مدنی: بخش میانی رقابت‌های اجتماعی و نشانگر نقطه اوج همبستگی ملی و بلوغ اجتماعی است. «اجزاء جامعه مدنی به شکلی هوشمندانه در قالب شبکه‌ها با یکدیگر در تعامل هستند» (Safariyan & Imamjomehzadeh, 2017: 148-166). نهادها، مؤسسات، اتحادیه‌ها، تشکلهای، احزاب، و انجمن‌ها با یکدیگر تعامل نموده و تفکر عمودی جایگاه خود را تا حدود زیادی از دست می‌دهد.

۲-۱-۳- ثبات سیاسی-اقتصادی

ثبات سیاسی-اقتصادی مهم‌ترین شاخص کارآمدی دولت مدرن است. «نبودخسونت، انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، مشروعیت، نهادسازی» (Sotoodeh & Badrabadi, 2019: 66) و سازوکار مراقبه-موازنه از مولفه‌های مهم ثبات سیاسی هستند. از طرفی دولت مدرن چرخ اقتصاد را با تولید

¹. Civic Nationalism

². Othersion

³. Check and Balance

تنظیم می‌کند و از اقتصاد رانتی^۱ فاصله می‌گیرد. تا رکود، تورم و بیکاری به حداقل، و درآمد ناخالص ملی به حداکثر برسد. و «با سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت اقتصاد و تجارت، سبب رفاه بیشتر مردم شود» (Findley, 1996; Sawada, 2004).

و نیز «با افزایش شفافیت،^۲ حکمرانی ثبات بیشتری خواهد یافت» (PourEzzat, 2008: 285). و «با دستگاه قضایی مستقل در کنار رسانه‌های مسئول، شفافیت ضمانت می‌شود» (PourEzzat and Taheri, 2010: 182). همچنین «دولت مردمی با تقویت جامعه مدنی به مشارکت داوطلبانه و فعال شهروندان می‌پردازد» (Jafari and Zolfaghari, 2014: 87-89). و با پذیرش نقدونظارت آنها کارآمدی خود و اعتماد اجتماعی را افزایش می‌دهد.

جدول ۳-۱: الگوی جامع دولت-ملت‌سازی



(Ghavam & Zagar, 2008: 269-323)

بر این اساس ساخت دولت-ملت در بدو امر برپایه اشتراکات است. اما ثبات و کارآمدی آن، با کمک ابزارهای مدرنیته، امکان‌پذیر است.

¹. Rentier Economy

². Transparency

۳- منازعه‌ها و روند ناقص دولت-ملت‌سازی در عراق

در حالی که دولت-ملت مدرن در اروپا در پویشی درونی موجودیت یافت. «حیات سیاسی دولت‌های خاورمیانه‌ای با فروپاشی عثمانی و توافق انگلیس و فرانسه مطابق قرارداد سایکس-پیکو (فوریه ۱۹۱۶) آغاز شد» (Hurewitz, 1979: 24). در خاورمیانه «واحد‌های سیاسی چندقومیتی مثل ایران، عراق و ترکیه، و تک‌قومیتی مثل اکثر کشورهای عربی، از لحاظ انسجام سیاسی-اجتماعی در شرایط یکسانی نیستند» (Banhashemi, 2004: 14-15). و با وجود گذر از پنج مرحله پرفراز و نشیب، نشانه‌های دولت‌مدرن، کمتر در آنها دیده می‌شود. گویا «خاورمیانه ژئوپلتیکی است که بر محور منازعات بنا شده و در آن فضای نظامی-امنیتی برهم‌گرایی غلبه دارد» (Sariolghalam, 2017: 127).

منازعه که حاصل ناسازگاری واقعی یا ظاهری گروه‌های قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی با دیگر گروه‌ها در اهدافشان است در خاورمیانه، به حیات سیاسی اندک، مرزهای شکننده، توسعه نیافتگی، تمایزات مذهبی، تنوع قومیتی، و منابع مشترک کشورها ارتباط دارد. همچنین «رقابت برای هژمونی منطقه‌ای، رژیم‌های سیاسی متفاوت، منازعات اسرائیل-فلسطین و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، خاورمیانه را به منطقه‌ای منازعه‌خیز تبدیل کرده است» (GhorbaniNejad & Farajirad, 2016: 185-186). همچنین درهم‌تنیدگی انواع منازعه‌ها، فضای ناامن و ملت‌هایی را در خاورمیانه ایجاد کرده است. و در این بین طبق شاخص جهانی صلح (۲۰۲۰)، عراق در ردیف منازعه‌خیزترین کشورها قرار دارد.

۴- دولت-ملت‌سازی منازعه‌برانگیز در عراق

دولت-ملت‌سازی در عراق و پیامدهای مرتبط با آن، مستثنی از روند کلی آن در خاورمیانه نیست. اما با توجه به جغرافیای متفاوت طبیعی، انسانی و سیاسی عراق می‌توان آن را منازعه‌برانگیزتر دانست.

۴-۱- اشباع سرزمینی

عراق تحت سرپرستی انگلیس (۱۹۲۰) پایه‌گذاری و (۱۹۳۲) به استقلال رسید. «مرزهای عراق بیش از واقعیت‌های داخلی آن، بازتاب منافع خارجی بوده است» (Simbor & Moradi, 2015: 61). و از بدو تأسیس، کردها داعیه استقلال داشته‌اند که در نهایت به خودمختاری نسبی آنها منجر شد.

¹. Regional hegemony

². Mandate

³. Independence

عراقی‌ها ادعای ارضی نسبت به ایران و کویت دارند و با وجود چشم‌داشت سرزمینی ترکیه به آنها، نسبت به تسهیم آب دجله و فرات با ترکیه و سوریه مشکلات جدی دارند. تنگناهای جغرافیایی این کشور در حدی است که جدای از منازعات داخلی، تاکنون چهار جنگ ویرانگر منطقه‌ای را به محیط پیرامونی تحمیل نموده است. جنگ تحمیلی علیه ایران و کویت، و دو جنگ بزرگ خلیج فارس ریشه در عدم‌اشباع سرزمینی این کشور دارد.

۴-۲- همبستگی ملی

با وجود آنکه شکاف‌های عمیق قومی، زبانی و مذهبی عراق نیازمند دولتی فراگیر بود. اما حکومت بعثی‌ها، نماینده‌ی اقلیت سنی بود. و «شیعیان، کردها و ترکمن‌ها جایگاهی در حکومت نداشتند» (Dodge, 2006: 185-195).

جدول ۵-۱: توزیع مناصب حکومتی در عراق تا زمان صدام

مذهب	درصد مشارکت	دین	درصد مشارکت
سنی	72.8	مسیحی	1.5
شیعه	24.2	یهودی	0.5
صائبی	0.1	نامشخص	0.9

(Golchin & AhmadiMoghadam, 2018: 126)

قطبیت شدید قومی-مذهبی ناشی از این بود که «صدام هویت ملی را بر مبنای پان‌عربیسم-سنی تعریف کرد» (SamieeIsfahani & Kiani, 2014: 22-23).

همچنین چالش‌های عراق با همسایگانش نیز به دلیل اشتراکات تمدنی-فرهنگی-قومی-مذهبی زیاد است. «حضور عربستان و متحدینش با گفتمان عرب-سنی، ترکیه با گفتمان نوسلمان‌گرایی، کردهای پیرامون با ناسیونالیسم کردی و ایران با گفتمان شیعی، نشان از تأثیر عوامل هویتی در روند تحولات داخلی عراق است» (SamieeIsfahani & Norouzinjad, 2013: 106-107). بدین ترتیب عراقی‌ها از ابزارهای کلاسیک ملت‌سازی بهره‌چندانی ندارند. و با ابزارهای مدرن ملت-سازی نظیر قانون، ناسیونالیسم مدنی، حقوق‌شهروندی و جامعه‌مدنی نیز بیگانه‌اند. به عبارتی عراق مصداق یک جامعه چندپاره با همبستگی اجتماعی شکننده است.

۴-۳- ثبات سیاسی-اقتصادی

دولت عراق محصول گذر از تاریخ و ساخته دست ملتش نیست. بلکه نهادی ثانویه و تحمیلی

¹. Neo-Ottomanism

². Fragmented Society

است. به دلیل نبود دولت بودگی تجربی و باوجود محبوبیت ملک فیصل، عبدالکریم قاسم با جنبشی چپ‌گرا، نظام پادشاهی را برانداخت و با کودتای عارف، جمهوریت و با کودتاهای حسن الکبر و در نهایت صدام اقتدارگرایی جایگزین آن شد.

علی‌رغم آنکه «دولت‌سازی مطلوب نیازمند ارتشی است که زمینه انتقال قدرت را به وجود آورد» (Mottaghi and Alghoban, 2017: 116). ارتش عراق، در خدمت نخبگان حاکم و ابزاری برای سرکوب ملت خود و همسایگانش بوده و با هدایت کودتاهای متعدد، بارها ابزار انتقال نامشروع قدرت شده و در سرکوب شورش‌ها آذخیل بوده است.

صدام مانند بیشتر حاکمان خاورمیانه‌ای، دولت اقتدارگرس را به صفت رانتیر نیز آراسته کرد و با تکیه بر نفت، که حدود ۶۰٪ در آمد ناخالص ملی عراق را در بر می‌گیرد (Ghorbani Nejad, 2019: 264). عمده تلاشش را در تولید و توزیع رانت بکار بست. در نهایت توزیع نابرابر فرصت‌ها و ثروت‌ها و انتظارات رو به افزایش، ملتی طلبکار دولت پدید آورد که به جای اینکه سهمی در تولید ایفا نمایند، به دنبال الحاق خود به طیف وسیع حقوق‌بگیران بویژه نظامیان شدند. روند ناقصی که به علت عمق تاثیرات آن، کماکان اقتصاد عراق پساصدام را احاطه کرده است. با این حال صدام به روش قهرآمیز توانست تمامیت سرزمینی، همبستگی ملی و ثبات نسبی عراق را حفظ کند.

جدول ۵-۲: دولت-ملت‌سازی ناقص در عراق و پیامدهای آن بر اساس الگوی جامع

دولت-ملت‌سازی (۲۰۰۳-۱۹۱۶)

پیامدهای منطقه‌ای	پیامدهای ملی	وضعیت عراق
۱. منازعات متعدد و جنگ ۸ ساله با ایران	۱. جنگ‌های متعدد داخلی با کردها	۱. ادعای ارضی نسبت به ایران و کویت
۲. تهاجم نظامی و اشغال کویت	۲. جنگ داخلی با شیعیان جنوب	۲. چشم‌داشت تاریخی ترکیه
۳. جنگ‌های خلیج فارس و ۲ ناشی از تصرف کویت	۳. حاکمیت ناقص بر قلمروی سرزمینی	۳. جغرافیای متمایز قومی-مذهبی
۴. حملات نظامی متناوب از طرف ترکیه		۴. درهم‌تنیدگی مرزهای قومی-مذهبی
۵. منازعه بر سر تسهیم منابع آب با ترکیه و سوریه		۵. جغرافیای اقلیمی متفاوت
		۶. تنگنای در دریا (ساحل اندک)
		۷. وابستگی هیدروپلیتیک به ترکیه، ایران و سوریه

¹. Statehood

². Coup

³. Rebellion

⁴. GDP

پيامدهای منطقه‌ای	پيامدهای ملی	وضعیت عراق	تأثیرات متقابل ملی-منطقه‌ای
<ol style="list-style-type: none"> ۱. فعالیت اپوزیسیون قومی-مذهبی در محیط پیرامونی ۲. همکاری کردها و شیعیان با ایران در زمان جنگ ۸ساله ۳. عدم انسجام و مقاومت مردمی در مقابله با حمله نظامی آمریکا 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. تجزیه‌طلبی قومیتی از بدو تأسیس ۲. مهاجرت نخبگان و فعالان سیاسی ۳. عرصه‌ی رقابت مذهبی همسایگان ۴. شورش‌های مکرر کردی و شیعی ۵. سرکوب‌های شدید قومی-مذهبی ۶. بمباران شیمیایی و کشتار فجیع کردها ۷. کشتار بی‌رحمانه شیعیان جنوب 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. مناقشات زبانی (کرد-عرب) ۲. قربت‌های تمدنی، قومی، مذهبی با محیط پیرامونی ۳. عربستان و اعراب-حامی پان‌عرب‌سمن سنی ۴. ارتباط چندوجهی کردها با محیط پیرامونی ۵. ترکیب ناهمگون قومیتی ۶. کثرت متنوع دینی-مذهبی ۷. اکثریت عرب در تقابل با اقلیت کرد ۸. اقلیت سنی در تقابل با اکثریت شیعه ۹. پیوندهای متداخل قومی-مذهبی ۱۰. قانون اساسی غیرکثرت‌گرا و پارلمانی تشریفاتی ۱۱. تقابل ناسیونالیستی عربی-کردی ۱۲. دشمن‌سازی جایگزین دگرسازی ۱۳. عدم انسجام ملی در هنگام تهدید مشترک ۱۴. توزیع ناعادلانه منابع ۱۵. نبود حقوق شهروندی و نهادهای مردمی 	<p>تأثیرات متقابل ملی-منطقه‌ای</p>
پيامدهای منطقه‌ای	پيامدهای ملی	وضعیت عراق	تأثیرات متقابل اقتصادی-سیاسی-ژئوپولیتیک
<ol style="list-style-type: none"> ۱. اقتدارگرایی و تحمیل جنگ‌های (داخلی و خارجی) ۲. وابستگی سیاسی گروه‌های مخالف به محیط پیرامونی 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. وابستگی دولت از بدو تأسیس (انگلیس، بلوک غرب و سپس شرق) ۲. وقوع کودتاهاى مکرر (حسن البکر، قاسم و صدام) ۳. حاکمیت ناقص پان‌عرب‌سمن سنی ۴. نقض فاحش حقوق شهروندی سرکوب شدید اعتراضات ۵. دموکراسی اجباری/آری-خیر ۶. توزیع نامتوازن ثروت و فرصت‌ها 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. دولت نهادی ثانویه با سلطه اولیه انگلیس ۲. جغرافیای سیاسی متفاوت و بحران مشروعیت ۳. دولت اقتدارگرا و نقض شدید حقوق شهروندی ۴. حیات سیاسی کوتاه‌مدت و نبود جامعه مدنی ۵. جاه‌طلبی شخصیتی صدام ۶. تسلط ۸۰ساله اقلیت سنی و عدم تفکیک قدرت ۷. توزیع نامتوازن مناصب حکومتی ۸. تضادهای ژئوپولیتیک با همسایگان ۹. نوسان در وابستگی به بلوک غرب یا شرق ۱۰. وابستگی گروه‌های سیاسی به محیط پیرامونی ۱۱. اقتصادرانتیر - تک‌محصول نفت ۱۲. جغرافیای متمایز 	<p>تأثیرات متقابل اقتصادی-سیاسی-ژئوپولیتیک</p>

(Source: Authors, 2020)

۵- تشدید منازعات و تداوم دولت-ملت‌سازی ناقص در عراق دموکراتیک

۵-۱- چالش‌های نوین سرزمینی

حذف اقتدارگرایی صدام، توأم با «حمله آمریکا به عراق، افزایش فعالیت گروه‌های تروریستی را در پی داشت» (Mahnam and Zaree, 2013: 1063). که در نهایت با ظهور داعش و با اشغالگری و جغرافیای ادعایی آنان، تمامیت ارضی عراق با چالشی جدید مواجه شد. «جنگ داعش با

کردها، ناخواسته به آنها کمک کرد تا فرایند استقلال را سریعتر سپری کنند» (Gunter, 2013: 441). ولی «رأی سپتامبر ۲۰۱۷ به استقلال، پیامدهای منفی زیادی برای کردها ایجاد کرد» (PishgahiFard and karimi, 2018: 1030-1045). لذا «رفراندوم کردستان عراق، بحران‌ها در سطح منطقه را تشدید کرد» (Zareei and Ranjbari, 2017: 927). زیرا کنشگران داخلی و خارجی زیادی، با آن مخالف بودند. اردوغان نیز در دفاع از تهاجم نظامی ترکیه به عراق، «موصل را به لحاظ تاریخی متعلق به ترکیه دانست و از مرزبندی موجود ابراز نارضایتی کرد» (Erdogan, 2016).

جدول ۶-۱: واکنش کنشگران داخلی و خارجی به همه‌پرسی استقلال در کردستان عراق

بدون موضع	مخالف	موافق	سطح
—	جنبش تغییر، اتحاد اسلامی، جماعت اسلامی، ترکمن‌های شیعی و بخشی از ترکمن‌های سنی	حزب دموکرات، اتحادیه میهنی و بخشی از ترکمن‌های سنی	محلی
—	گروه‌های شیعی و تعداد زیادی از گروه‌های سنی	برخی از گروه‌های سنی	ملی
—	ایران-ترکیه-سوریه	—	وطن‌های پیرامونی
عربستان-امارات	اتحادیه عرب	اسرائیل	منطقه‌ای
—	آمریکا-اتحادیه اروپا	—	فرامنطقه‌ای

(Davoodvandi, 2020 :205)

هرچند مرجعیت دینی هوشمندانه در اتفاقات اخیر در حفظ تمامیت ارضی عراق، نقش بی‌بدیلی ایفا نمود. و عراق با حکم تاریخی آیت‌اله سیستانی (ژوئن ۲۰۱۴) شاهد خیزش ملی برای نجات سرزمینش بود. اما به نظر می‌رسد فعال شدن گسل جغرافیای سیاسی عراق، این کشور را در سه‌راهی تجزیه، فدرالیسم یا عراق واحد قرار داده است.

۲-۵- همبستگی شکننده

ناهمخوانی شیعیان، اعراب سنی و کردها به عنوان ارکان قدرت در طول تاریخ عراق، تنش‌های شدید داخلی را به همراه داشته است. «دولت-ملت‌سازی در عراق پس‌اصدام با رویکردی امنیت-

¹. Federalism

محور از سوی آمریکا کلیدخورد. اما به علت ناسازگاری با میانی هویتی این کشور عاملی در قطبی شدن شکاف‌های اجتماعی و تشدید خشونت‌ها شد» (SamieeIsfahani and Norouzinjad, 2013: 97). کردها و سنی‌ها با سقوط صدام و درگذار از دیکتاتوری به دموکراسی، با امتیازطلبی بیشتر، رویه خشونت‌گرایی را پیشه کردند و منازعات داخلی رو به افزایش گذاشت. به‌نحوی که در اواخر ۲۰۱۹ و آغاز ۲۰۲۰ عراق صحنه شدیدترین خشونت‌های داخلی بود.

انسجام نسبی در عراق مرهون عناصر سنتی بود و ورود زودهنگام عناصر مدرن بدون توجه به مؤلفه‌های سنتی، نوعی هم‌بستگی تحمیلی ایجاد کرد که دوام چندانی نداشت. به بیانی دیگر «هویت ملی در عراق هیچ‌گاه قوی نبوده و یکپارچگی فقط با زور حفظ شده است» (Cordesman, 2014: 2-5). با وجود آنکه نهادهای مذهبی در همبستگی اجتماعی عراق نقش زیادی دارند. دولت پساصدام در روند دولت‌سازی به‌جای استفاده از این نهادها، بر نقش نخبگان سیاسی متمرکز شد. هرچند مشروعیت دولت هم با مشارکت نهاد مذهب راحت‌تر تأمین می‌شود، اما «نگاه امنیت‌محور نومحافظه‌کاران آمریکایی به دولت-ملت‌سازی باعث نگاه اکراه‌آمیز به نقش نیروهای قومی-مذهبی در این کشور شد» (SamieeIsfahani and Norouzinjad, 2013: 104-105). تنش‌های قومی-مذهبی با حضور آمریکا در عراق نه تنها حفظ شد، بلکه در واکنش به آن شدت گرفت. تا جایی که مجلس این کشور قانون ضرورت خروج نظامیان آمریکایی را تصویب کرد. داده‌های مرکز مبارزه با تروریسم (۲۰۱۳-۲۰۰۹) سطح خشونت عراق را از افغانستان هم بالاتر نشان می‌دهد. «گسترش خشونت‌ها در عراق، صرفاً به دلیل خلأ قدرت دولت مرکزی نیست، بلکه عواملی مانند فقدان یک هویت ملی فراگیر، کینه‌های تاریخی گروه‌های قومی-مذهبی و دولت-ملت‌سازی تحمیلی نقش مهمی در آن دارند» (Sardarniya and ZareeMehrabadi, 2015: 172).

جدول ۶-۲: آمار تلفات غیرنظامی ناشی از خشونت در عراق (۲۰۱۶-۲۰۰۳)

سال	تلفات انسانی
2016	16393
2015	17578
2014	20218
2013	9852
2012	4622
2011	4162
2010	4167
2009	5376
2008	10274
2007	26078
2006	29547
2005	16583
2004	11736
2003	12133

Source: IBC.at: <https://www.iraqbodycount.org/analysis/>

¹. NCTC

سیاست شیعه‌ستیزی سنی‌ها و رویکرد دفاعی شیعیان، موجب تشدید قطبیت شیعه-سنی، و ازدیاد شبه‌نظامیان قومی-مذهبی و رودررویی گروه‌هایی مثل القاعده، جیش‌المهدی، پیشمرگه با یکدیگر و دولت شد. و متعاقباً مداخله خارجی افزایش یافت و در این میان القاعده با دگرذیسی در قامت داعش ظاهر شد. هرچند در مقابله با داعش، انسجام ملی افزایش یافت، اما این زائیده بی‌ثباتی و مداخله، با نقض شدید حقوق بشر و حقوق شهروندی (گزارش ۲۰۱۶-جلسه ۳۱)، تحمیل تلفات سنگین انسانی، آوارگی چندمیلیون نفری و تخریب آثار باستانی، صدمات سنگینی بر پایه‌های مهم ملت‌سازی در عراق وارد نمود و تنش شیعه-سنی را به جنگی تمام عیار کشاند. امروزه شکاف‌های قومی-مذهبی در عراق به لایه‌های درونی‌تر کشیده شده و تکفیر^۱ مذهبی جایگزین تعارضات مذهبی شده است. (Sotoodeh and Badrabadi, 2019: 67-83). ظهور شبه‌نظامیان جدید از بطن مذاهب شیعه و سنی و اقوام کرد و عرب، منازعات در عراق را پیچیده‌تر کرده و آنها را علی‌رغم قرابت‌های قومی-مذهبی رو در روی یکدیگر قرار داده است.

۳-۵- تداوم بی‌ثباتی سیاسی-اقتصادی

آمریکایی‌ها به عنوان مؤسس دولت کنونی عراق به دنبال ایجاد فدرالیسم بودند درحالی‌که «این نوع نظم سیاسی جایی موفق است که فرهنگ سیاسی، مشارکت مدنی و ملیت همگن در آن حاکم باشد» (SamieeIsfahani and Norouzinjad, 2013: 104-105). اما منافع متناقض شیعیان، سنی‌ها و کردها در ساختار سیاسی عراق، مانع بزرگی برای ایجاد نهادهای سیاسی مشروع و مصالحه سیاسی است.

عراق مانند آلمان یا ژاپن از نهادهای دموکراتیک بی‌بهره بود و مانند آنها تک‌قومیتی نبود. لذا علی‌رغم ایجاد توازن در قانون جدید برای مشارکت سیاسی و تشکیل دولت دائمی «منفعت طلبی قومی-مذهبی به تشدید تعارض ساختاری انجامید» (Golchin & AhmadiMoghadam, 2018: 20). زیرا «دولت عراق نتوانست به ایجاد نهادهای سیاسی مشروع که مورد پذیرش همگان باشد مبادرت ورزد و نبود سازوکارهای مدنی برای بیان خواسته‌ها، و همچنین ابهامات قانونی در توزیع قدرت، خشونت‌ها در عراق را تشدید کرد» (SamieeIsfahani and kiyani, 2014: 18-41).

تحولات پساجنگ سرد نیز مخاطرات امنیتی بیشتری را برای دولت‌سازی دموکراتیک در کشورهایی مانند عراق ایجاد کرد. همسایگان عرب عراق هم به علت خطر تسری دموکراسی عموماً از بی‌ثباتی سیاسی این کشور حمایت کردند. حکومت خودخوانده و دادگاه شرع داعش نیز چالشی برای دولت مرکزی و استقلال قضایی عراق شد. اختلاف بر سر محدوده خودمختاری،

^۱. Takfir

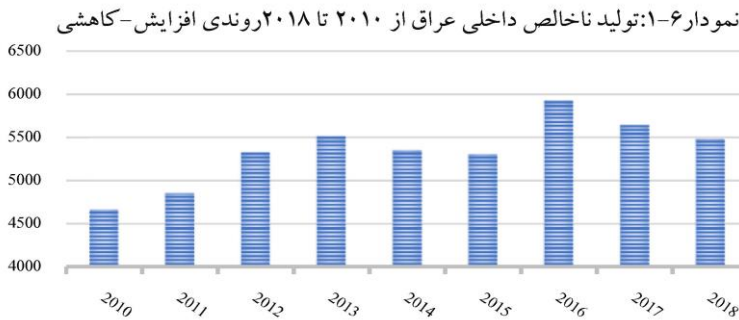
مسئله نفت و پروژه‌های ملی، بین بغداد و اقلیم کردستان با خروج ایالات متحده از عراق (۲۰۱۱) بالا گرفت و «سال ۲۰۱۴ یکی از پرتنش‌ترین سال‌های پسادام میان دولت مرکزی و حکومت اقلیم کردستان بود» (Torabi and Mohammadian, 2015: 130-131).

همچنین «حمله آمریکا به افغانستان و نیاز صدام، به تداوم جاه‌طلبی‌هایش، موجب گسیل القاعده به عراق شد» (HajiYousefi and Arefnejad, 2014: 91). هرچند «با سرنگونی رژیم بعث، و بازتعریف روند دولت-ملت‌سازی، گروه‌های مختلف در اداره جامعه سهیم شدند» (Lawson, 2003: 3). ولی محروم نمودن بعضی‌ها و جذب آنها توسط القاعده، همراه با تحولات جهانی و هویت‌طلبی قومیت‌ها، هر کدام از گروه‌ها خواهان سهم بیشتری در مشارکت سیاسی شدند. کردها اولویت خود را ایجاد منطقه خودمختار قرار دادند و شیعیان با توجه به کثرت جمعیتی، مدافع تمامیت ارضی و حضور در رأس هرم قدرت سیاسی شدند. اما «اعراب سنی با ناخشنودی از کاهش شدید قدرت خود، برسر تغییرات در ساختار دموکراتیک مقاومت کردند» (Lawson, 2003: 15-20). عراقی‌ها می‌توانستند با هزینه‌های زیادی را بر عراقی‌ها تحمیل کرده‌اند. با حمله آمریکا و «حذف اقتدارگرایی در عراق، تضادها و رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای (ایران-عربستان) و فرمانطقه‌ای، چالشی جدی برای این کشور شدند» (Jafari, 2001: 25). همچنین «اعراب حاشیه خلیج فارس، عراق دموکراتیک را به مصلحت خود ندیدند و کوشیدند تا عراق در خشونت و درگیری‌های خود گرفتار بماند» (Mottaghi and Salem, 2017: 124-128). بر این اساس بی‌ثباتی‌های عراق تداوم خواهد یافت.

با به اوج رسیدن خشونت‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی در اواخر ۲۰۱۹ عادل‌عبدالمهدی تحت فشارهای داخلی و مداخلات خارجی مجبور به استعفا شد. عمق و فراگیری منازعات داخلی به حدی بود که رئیس‌جمهور در انتخاب نخست‌وزیر بارها با مشکل مواجه شد و این کشور در معرض بی‌دولتی قرار گرفت. هرچند با فرازونشیب‌های زیاد دولت الکاظمی زمام امور را در دست گرفت اما همچنان ثبات سیاسی در عراق در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

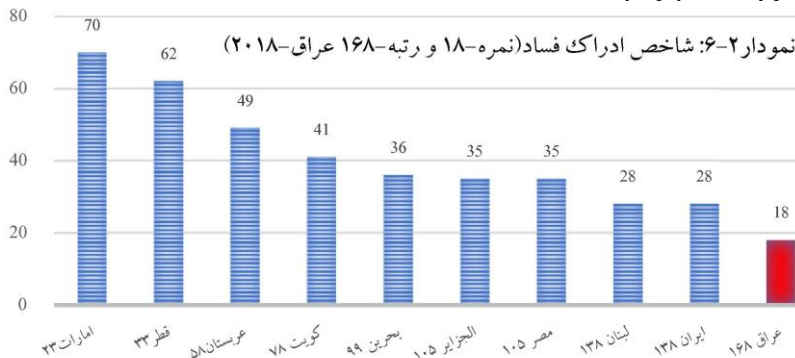
از نظر اقتصادی نیز «با حمله آمریکا به عراق، درآمد ناخالص داخلی از ۲۵۵ دلار (۲۰۰۳) به ۱۴۴ دلار (۲۰۰۴) رسید» (HajiYousefi and HoseinZadeh, 2018: 52). و موجب تشدید فقر و بیکاری شد. جوانان فقیر و بیکار جذب گروه‌های تروریستی شدند. با گسترش گروه‌های تروریستی بسیاری از منابع مالی همچون مالیات و زکات، فروش مستقیم و ارزان نفت، قاچاق سوخت و سرقت منابع ارزی، در اختیار داعش قرار گرفت.

با تخریب زیرساخت‌های اقتصادی، و تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور امنیتی، عراق بیش از پیش درگیر عواقب بی‌ثباتی اقتصادی گردید. بر این اساس روند صعودی تولید ناخالص داخلی، روندی کاهشی شد.



Source: Trading Economics / World Bank

علی‌رغم امید به بهبود اوضاع، افزایش رشوه و فساد اداری پس از سقوط صدام، به مشکلات اقتصادی عراق افزود و دامنه فسادهای مالی و اداری به علت ریشه‌های اقتصاد رانتی، نبود پیشینه دموکراسی و خلاءهای قانونی، بالا گرفت و سال ۲۰۱۸، عراق در قعر جدول کشورهای کم‌فاسد (رتبه ۱۶۸) قرار گرفت.



Source: Transparency International

امید اولیه آن بود که با پشت سر نهادن اقتدار گرایی، عراق دموکراتیک بتواند حیات نوینی را مبتنی بر همبستگی ملی و ثبات سیاسی-اقتصادی آغاز نماید. اما شرایط موجود در کوتاه‌مدت، وضعیت مطلوب‌تری را نشان نمی‌دهد. در آغاز هزاره سوم در کنار روند ناقص دولت-ملت‌سازی، روند شتابان تحولات جهانی همچون تغییرات زیست‌محیطی، رشد حیرت‌آور رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و در نتیجه تغییر سطح آگاهی ملت‌ها، ظهور بازیگران غیردولتی و همچنین مداخلات قدرت‌های خارجی منازعات داخلی عراق افزایش یافت و تداوم روند ناقص دولت-

¹. Low-corrupt countries

². Non-governmental actors

ملت‌سازی، عراق را به مرز «دولت‌های شکننده»^۲ رساند.

جدول ۶-۳: تشدید منازعات در عراق؛ تداوم دولت-ملت‌سازی ناقص (۲۰۱۹-۲۰۰۳)

تداوم دولت-ملت‌سازی ناقص و پیامدها	افزایش و تشدید منازعات	
<p>چالش‌های نوین سرزمینی</p> <p>۱. چالش‌های فدرالیسم و ابهام در آینده سرزمینی</p> <p>۲. قلمروی سرزمینی نامشخص داعش</p> <p>۳. استقلال‌طلبی اکراد</p> <p>۴. حمایت اقلیم سنی از فدرالیسم</p> <p>۵. مواضع متضاد کنشگران داخلی و خارجی</p> <p>در خصوص جغرافیای سیاسی</p> <p>۶. تداوم و پایداری منازعات سرزمینی در داخل</p>	<p>۱. منازعه القاعده با ارتش</p> <p>۲. منازعه القاعده با جیش‌المهدی</p> <p>۳. منازعه جیش‌المهدی با ارتش</p> <p>۴. منازعه پیش‌مرگه با ارتش</p> <p>۵. منازعه داعش با ارتش</p> <p>۶. منازعه داعش با پیش‌مرگه</p> <p>۷. حکم جهاد تاریخی مرجعیت دینی در مبارزه با داعش</p> <p>۸. منازعه حشدالشعبی با داعش</p> <p>۹. خشونت‌های مردمی در اعتراض به ناکارآمدی دولت</p>	<p>منازعات داخلی</p>
<p>تعمیق شکاف‌های اجتماعی</p> <p>۱. تلاش کردها و شیعیان برای شناسایی حداکثری</p> <p>۲. زیاده‌خواهی سنی‌ها با پایان سلطه ۸۰ ساله آنان</p> <p>۳. عدم انسجام سیاسی شیعیان</p> <p>۴. عدم انسجام مذهبی سنی‌ها</p> <p>۵. عدم انسجام ملی کردها</p> <p>۶. تسری منازعات بین‌مذهبی به منازعات مذهبی</p> <p>۷. عراق در ردیف خشونت‌آمیزترین کشورها</p>		
<p>نوسانات سیاسی-اقتصادی</p> <p>۱. سهم‌خواهی نامتوازن گروه‌ها در مشارکت سیاسی بخصوص اقلیت سنی</p> <p>۲. استعفای اجباری نخست‌وزیر</p> <p>۳. اجماع شکننده ملی در تشکیل دولت</p> <p>۴. قرار گرفتن دولت در لیست دولت‌های شکننده</p> <p>تحمیل هزینه‌های سنگین امنیتی بر دولت</p> <p>۵. رتبه ۱۶۸ در بین کشورهای کم‌فساد جهان</p> <p>۶. اختلافات دولت با اکراد بر سر منابع نفتی کرکوک</p>	<p>۱. منازعه هژمونیک آمریکا با رقیبا</p> <p>۲. تشدید رقابت‌های منطقه‌ای بین ایران، ترکیه و عربستان</p> <p>۳. منازعه سرد و نرم آمریکا با ایران</p> <p>۴. منازعه سخت و عینی آمریکا با ایران</p> <p>۵. خشونت‌های متناوب مردم در اعتراض به حضور آمریکا و برخی همسایگان</p> <p>۶. حمایت آشکار عربستان و متحدین منطقه‌ای از گروه‌های تکفیری</p> <p>(نگران ثبات و کارآمدی عراق دموکراتیک)</p> <p>۷. نقش اسرائیل در تقویت داعش و حملات آشکار</p> <p>پهپادی به حشدالشعبی (نگران عراق یکپارچه و تقویت محور مقاومت)</p> <p>۸. حضور مستشاران نظامی ایران در مبارزه با داعش</p> <p>به دعوت دولت عراق</p> <p>۹. عملیات نظامی ائتلاف بین‌المللی برای مبارزه با داعش</p>	<p>منازعات منطقه‌ای</p>

(Source: Authors, 2020)

² Fragile State

۶- راهکارهای پیش‌برد دولت-ملت‌سازی مطلوب در عراق

اصلاح روند معیوب دولت-ملت‌سازی در عراق نیازمند تدوین راهکارهایی است که در صورت بازنگری و تکمیل توسط دیگر محققین روابط بین‌الملل عملیاتی شدن آنها دور از انتظار نخواهد بود...

۶-۱- نهادسازی

هرچند «مشروعیت دولت با نهادسازی ارتباط مستقیم دارد» (Ayub, 2002: 505). اما این مهم نباید مناسبات سنتی را به چالش بگیرد، بلکه باید با ایجاد مناسبات مبتنی بر مقررات، به تدریج مناسبات سنتی ناکارآمد را به حاشیه براند. در واقع ساخت نهادهای ضروری دولت‌سازی نباید با مناسبات سنتی ملت‌سازی در تعارض باشد. برای مثال در عراق به موازات خروج نیروهای نظامی آمریکایی، نهادهای امنیت ملی به تدریج مسئولیت امنیت را عهده‌دار شدند.

۶-۲- بومی‌سازی دموکراسی با دولتی‌توافقی

از نظر نئوداروینیسم‌هایی نظیر جفری هربت «جنگ تنها مسیر آینده آفریقائی‌ها است» (Ghavam and Zargar, 2010: 292-293). بر این اساس کشورهای ناقص‌الخلقه در غرب آسیا، باید با جنگ مسیر بلوغ خود را طی کنند! این دیدگاه افراطی در مقابل روش‌های کم‌هزینه‌تری مثل توزیع منصفانه منافع بین گروه‌های مختلف بر مبنای حقوق شهروندی، قرار دارد. ایجاد دولت کارآمد با تکیه بر هویت ملی و رعایت حقوق شهروندی با محوریت قانون اساسی، مناسبات اجتماعی را در معادله‌ای برد-برد برای همه افراد و گروه‌ها تنظیم می‌کند.

دموکراسی در خاورمیانه باید با بافت فرهنگی-مذهبی-تاریخی آن سنخیت داشته باشد. «نظام دولت-ملت وارداتی، اصلی‌ترین زمینه ایجاد منازعه در خاورمیانه بوده است» (Kazemi, 2017: 152). ترویج دموکراسی غربی و تحمیل زود هنگام آن، عمدتاً به سود جریان‌های افراطی منحرف، تمام شده است. در خاورمیانه و بویژه در مورد کشوری مانند عراق که با تنوع قومی-زبانی-مذهبی مواجه است برای تحقق دموکراسی به جای تکیه بر اکثریت که معمولاً حذف اقلیت‌ها را در پی دارد همه نیروهای موجود را می‌توان در امور سیاسی-اقتصادی-اجتماعی، مشارکت داد تا دولت مرکزی از حاکمیت حداکثری برخوردار شود. در واقع «دولت توافقی جایگزین مناسبی برای دولت حداکثری خواهد بود» (Moosvi, 2011). در این الگو سهم اولیه اقلیت‌ها کمی بیشتر از جمعیت آنها خواهد بود تا به تدریج مزایای اشتراکی را دریابند و از منازعه دوری کنند.

برای مثال «خشونت وجه بارز جامعه عراق در سال‌های اخیر بوده است» (Haghshenas and Yoosefi, 2010: 114-115). وکنشگران زیادی تلاش کردند تا صلح را به عراق برگردانند. این

¹. Win-Win Equation

تلاش‌ها زمانی موثر است که همه گروه‌ها در چارچوب قانون اساسی در قدرت سیاسی سهیم شوند تا در بلندمدت در پرتو منافع مشترک، خشونت‌گرایی به مصالحه‌آمیز شود.

۶-۳- ثبات سیاسی با تغییر الگوی رقابت

گروه‌های سیاسی در خاورمیانه در چارچوب دولت‌های اقتدارگرا، تا مدت‌ها با شیوه «رقابت برای»^۱ حفظ وضع موجود (سلطانیسم و جمهوری موروثی) رقابت می‌کردند که نتیجه آن ظهور و تداوم اقتدارگرایی بود. اما دموکراسی، بدون ترویج فرهنگ «رقابت باهم»، که در آن هر گروه بدون تخریب دیگری، صرفاً خود و برنامه‌هایش را معرفی می‌کند بی‌نتیجه خواهد بود. در این حالت گروه برنده عرصه قدرت را دائمی نمی‌داند و گروه بازنده نیز دور از مسئولیت، با نقد و ارزیابی عملکرد گروه مقابل، ضمن تقویت پایگاه اجتماعی‌اش، در پیشرفت جامعه نیز نقش آفرین است.

بدین ترتیب ریشه بسیاری از جدال‌ها از نوع برداشتی است که براساس آن هر گروه خود را معیار اقتدار سیاسی تلقی می‌کند و به الزام‌های اخلاقی بی‌توجه است. پس جدال و منازعه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به همین علت «نتیجه دموکراسی در عراق خشونت بود» (Wimmer, 2003: 3-4). زیرا مدل منازعه‌برانگیز «رقابت بریکدیگر» که در آن هر گروه، اهداف خودش را با حذف دیگری دنبال می‌کند، الگوی حاکم بر عراق شد. بنابراین تغییر نگاه گروه‌های رقیب نسبت به یکدیگر ضروری است. و برای عبور از این «وضعیت شکننده»، همچنان که حضور تاثیرگذار مردم در دموکراسی نیاز به آموزش سیاسی دارد و آنان باید بتوانند شعارهای صرفاً انتخاباتی جریان‌های نوظهور سیاسی را تشخیص دهند، رفتار گروه‌های رقیب نیز، باید بر محور یک اصل، سنت، یا قاعده رفتاری مشترک و الزام‌آور، تعریف شود.

جدول ۷-۱: الگوهای رقابت بین احزاب و گروه‌های سیاسی

الگوی رقابت	کنشگران	اهداف	تکنیک و روش	نتیجه
با هم	همه احزاب و گروه‌های سیاسی	مشارکت مردمی و شایسته سالاری	قانون‌مندی	دولتی مردم سالار
بر یکدیگر	گروه‌های مخالف	حذف و براندازی	تخریب و تحقیر	دولتی شکننده
برای من	گروه‌های موافق و همسو	حفظ و افزایش اقتدار نظام سیاسی	مصلحت‌سنجی	دولتی اقتدارگرا

(Davoodvandi, 2020 :213)

¹. Compromise

². Compete for

³. Compete with

⁴. Competition Against

۶-۴- نقش آفرینی نخبگان

در اغلب کشورهای جهان سوم، نخبگان نمی‌توانند به منافع در قالب ساختار سیاسی موجود، دست یابند. بنابراین خودشان را به منافع قومی-مذهبی گره می‌زنند تا امکان حضور در عرصه سیاسی برایشان فراهم شود. لذا «ساختار قدرت بایستی حافظ مشارکت نخبگان گروه‌های مختلف باشد» (Rahimi, 2012).

۶-۵- عبور از اقتصاد رانتیر

بسیاری از منازعات ریشه در فقر و نابرابری اقتصادی دارد. «در صورتی که اصلاحات اقتصادی دنبال شود، مردم پس از مدتی متوجه منافع می‌شوند که تاکنون از آن بی‌بهره بوده‌اند» (Dehshyar, 2009: 1067). اما اقتصاد رانتیر حاکم بر خاورمیانه، وابستگی مالی دولت‌ها به مردم را به شدت کاهش داده و آنها مستقل از مردم، نیازی به تولید برای درآمدزایی ندیده‌اند. در حالی که اقتصاد تولیدی، ضمن کاهش بیکاری و افزایش رفاه مردم، با ایجاد وابستگی متقابل بین مردم و دولت، نقش مهمی در ثبات اقتصادی-سیاسی نیز دارد.

۶-۶- همکاری‌های منطقه‌ای

بر اساس دیدگاه‌های کارکردگرایی^۱ همکاری در امور جزئی به تدریج به مسائل مهم‌تری همچون امنیت تسری می‌یابد. برای مثال توسعه زیرساخت‌های ارتباطاتی (نرم‌افزاری و سخت‌افزاری)، ضمن نزدیک نمودن اذهان ملت‌ها به یکدیگر، در افزایش وابستگی متقابل و توسعه اقتصادی نقشی کم‌نظیر دارد. برای مثال «حفاظت از محیط زیست، از جمله مصادیق همگرایی بین‌المللی به شمار می‌آید» (Mahootchiyan and tayebi, 2019: 93)، منافع یا زیان‌های مشترک آن، می‌تواند عامل مهمی در همگرایی تدریجی دولت-ملت‌های منطقه باشد.

مبارزه با پدیده تروریسم هم بستر مناسب دیگری، برای همکاری‌های منطقه‌ای است. در حال حاضر هیچ دولت-ملتی، حتی آنهایی که به خاطر منافع مقطعی، نقش زیادی در ایجاد و گسترش آن داشتند، از خطرات تروریسم در امان نمانده‌اند. بنابراین عقد پیمان همکاری‌های دو جانبه، می‌تواند «سلسله مراتب منطقه‌ای، از منابع اصلی بی‌ثباتی در خاورمیانه» (Kamrava, 2018: 36) را به روابطی افقی، مبتنی بر توسعه سازمان‌های منطقه‌ای سوق دهد. «همکاری‌های منطقه‌ای در جهان نشانگر آن است که؛ افزایش نقش مردمی فن‌سالاران، سازمان‌های تخصصی، بخش‌های غیردولتی، رسانه‌های مستقل و نهادهای علمی-پژوهشی، زمینه‌های عینی مؤثرتر و پایدارتری برای تداوم همکاری‌ها ایجاد می‌کنند» (Sinaee, 2016: 58).

¹. Functionalism

². Convergence

۶-۷- اصلاح نظام قضایی

ساختار قضایی در خاورمیانه، وابسته به حکومت‌های اقتدارگرا شکل گرفته و ناکارآمد است. با بازنگری در این ساختار، آموزش و آشنا نمودن مردم با حقوق خود و اصول قانون اساسی، تحقق عدالت به عنوان مهمترین اصل پایداری حکومت‌ها، دور از دسترس نیست. این ساختار عدالت‌محور در صورت استقلال، با تحقق دادخواهی عادلانه و مبارزه قاطع با فساد، موجب افزایش اعتماد اجتماعی و انسجام ملی شده و زمینه رقابت سازنده را فراهم می‌کند.

۶-۸- رسانه‌های مستقل

رسانه‌ها به عنوان رکن چهارم دموکراسی صدای رسا و چشمان باز ملت‌ها هستند و با تکیه بر استقلال و آزادی نشر، به نقد منصفانه دولت و آگاهی‌افزایی مردم می‌پردازند و بدین ترتیب انسجام اجتماعی و ثبات سیاسی-اقتصادی تقویت خواهد شد. این درحالی است که با رشد حیرت‌آور رسانه‌ها در جهان معاصر، سوء استفاده از این ابزار هم افزایش یافته است. به گونه‌ای که بسیاری از فعالان سیاسی، برای کسب منافع خود و نه منافع ملت، به صورت هدفمند اطلاعات را انتقال می‌دهند. لذا توجه به سواد رسانه‌ای مردم، اهمیتی دوچندان یافته است.

۶-۹- گسترش جامعه مدنی

سازمان‌های غیردولتی متشکل از اتحادیه‌ها، اصناف و تشکل‌های مردمی، نقش به‌سزایی در افزایش ارتباط بین دولت و ملت در حوزه‌های مختلف اجتماعی-سیاسی-اقتصادی و زیست‌محیطی دارند. لذا در جوامع موزائیکی همچون خاورمیانه، توسعه این نهادهای متنوع و متعدد، با جذب سلايق گوناگون و علايق مشترك، می‌تواند باعث همبستگی بیش‌تر اجتماعی شود. سازمان‌های خیریه‌محور، زیست‌محیطی و حقوق شهروندی، فارغ از تعصبات سیاسی، از موثرترین این نهادها هستند.

۶-۱۰- رعایت حقوق شهروندی

از ویژگی‌های مهم دولت مدرن، اعطای حقوق شهروندی به افراد تابع است و از این طریق دولت فارغ از مرزبندی‌های موجود متعهد به مردم، و مردم نیز به عنوان شهروندان، وفادار به دولت می‌شوند. در این صورت دولت و ملت چنان درهم تنیده شده که گویی یک واحد مستقل هستند. پای‌بندی دولت-ملت‌ها به حقوق شهروندی نه تنها در تداوم دولت و انسجام اجتماعی نقش آفرین است، بلکه زمینه جذب نخبگان علمی-اقتصادی سایر کشورها و در نتیجه سرعت و شتاب توسعه را نیز فراهم می‌نماید.

۶-۱۱- نقش آفرینی مرجعیت دینی

غرب آسیا جوامعی مذهبی را در خود جای داده است. اما در سده اخیر بر مبنای الگوی غربی و

¹. Non-Governmental Organizations (NGOs)

علی‌رغم تفاوت ماهوی اسلام با مسیحیت تحریف شده، مرجعیت دینی کنار زده شد. با این حال سکولاریسم در این منطقه محکوم به شکست بوده است. چراکه ملت‌های مسلمان هرگاه فرصتی یافته‌اند دولتی دین‌مدار، را ترجیح داده‌اند. نقش بی‌بدیل آیت‌اله سیستانی در تحولات سیاسی-امنیتی اخیر عراق، نمونه بارزی از هم‌افزایی تعهد در کنار تخصص است. در صورتی که نهادهای مذهبی و تخصصی در کنار هم جایگاه واقعی خود را پیدا کنند، با دو بال تعهد و تخصص جبران عقب‌ماندگی‌ها دور از انتظار نخواهد بود.

۶-۱۲- مدیریت انتظارات

سطح مطالبات مردم در جوامع خاورمیانه‌ای، بدون توجه به ظرفیت‌ها و امکانات کشورشان، به علت ذهنیت رانتی ناشی از حاکمیت طولانی‌مدت دولت‌های رانتیر، شعارهای فصل انتخاباتی جریان‌های نوپای سیاسی، به طور کاذب افزایش یافته است. از طرفی سبک زندگی افراد نیز با گسترش سرسام‌آور رسانه‌ها و شبکه‌های نوین اجتماعی که به سهولت در اختیار آنان قرار دارند، با سرعتی غیرقابل تصور در حال دگرگونی است. لذا ملت‌ها همواره در حال سنجش وضعیت خود با دیگر ملل پیشرفته هستند. بنابراین آگاهی‌بخشی صادقانه و تبیین صحیح ظرفیت‌های واقعی داخلی، در ساخت ملتی پرتلاش، سازنده و وفادار، نه مدعی و طلبکار تاثیر بسزایی دارد.

نتیجه‌گیری

دولت-ملت‌سازی معیوب، طی چند دهه‌ی اخیر تاثیر زیادی در ایجاد، تداوم و تشدید منازعه‌ها در خاورمیانه داشته و مرزبندی‌های تصنعی، منازعات ملی-منطقه‌ای متعددی را ایجاد کرده است. منازعه دولت عراق با کردها و جنگ‌های متعدد با همسایگانش، عمدتاً ناشی از این نقیصه بوده است. سنگ‌بنای دولت ملت در خاورمیانه از ابتدا ناموزون بوده و این نهاد مدرن، طبق معاهده سایکس-پیکو (۱۹۱۶) در راستای منافع انگلیس، فرانسه و روسیه بدون توجه به هویت متمایز ملت‌ها بر آنها تحمیل شده است. دولت‌های مذکور نیز بدترین روش انسجام‌بخشی یعنی سرکوبگری را انتخاب کردند که در طولانی مدت منازعات ناشی از آن به شکاف بیش از پیش دولت با ملت انجامید.

در آغاز هزاره سوم نیز با مداخله آمریکا، دولت‌سازی ناقص بیرونی، بدون توجه به مولفه‌های هویتی در عراق تداوم یافت و منازعات داخلی این کشور با روندی افزایشی همراه شد. و هزینه‌های سنگین امنیتی آن بر مردم عراق و بر محیط پیرامونی بخصوص دولت-ملت ایران گران آمد.

بررسی تحولات اخیر عراق، نشان می‌دهد؛ منازعه‌های موجود که خود متأثر از شروع ناقص دولت-ملت‌سازی در این کشور بوده، با تداوم این روند معیوب، عمیق و فراگیرتر شده است و

کماکان در یک سیکل معیوب بازتولید می‌شوند. از سوی دیگر منازعه‌های داخلی عراق به دلیل هویت مشترک منطقه‌ای، مانند اشتراکات تمدنی، مذهبی، زبانی و قومی، از قابلیت تسری منطقه‌ای برخوردارند. و در نتیجه با ورود کنشگران منطقه‌ای و بین‌المللی بر پیچیدگی‌های آن افزوده شد.

در این شرایط شناسایی حداقلی اقوام و مذاهب گوناگون در عراق، کافی نیست. بلکه لازم است ضمن پذیرش تفاوت‌ها و ویژگی‌های هویتی، به توزیع منصفانه فرصت‌ها و ثروت‌ها، برای آحاد جامعه بدون توجه به تعلقات قومی و وابستگی‌های سیاسی و گرایش‌های مذهبی آنان اقدام نمود تا به تدریج در یک بازه‌ی زمانی مشخص با محوریت حقوق شهروندی، و با تحقق رفاه نسبی، تبعیض‌ها برطرف شود. همچنین لازم است رقابت‌های ناسالم و ویران‌کننده بر بستر تمایزات قومی-زبانی-مذهبی، کم‌رنگ شده و در پرتو ایجاد یا ارتقاء جامعه مدنی، رقابت‌های سالم و سازنده بر اساس تنوع دیدگاه‌ها و سلیقه‌های مختلف، جایگزین آن شود تا با تحقق شایسته‌سالاری میدان عمل برای نخبگان بیش از پیش فراهم شود.

نخبگان شاخصی همچون آیت‌الله‌سیستانی با دعوت مردم به مشارکت در انتخابات، توصیه به کناره‌گیری نخست‌وزیر و یا ضرورت اجماع ملی بر تشکیل دولت، در ارتقاء دموکراسی بیش از سایر فعالان سیاسی در عراق، موثر بوده‌اند. حکم جهاد او و تشکیل حشدالشعبی به عنوان سازمانی مردم‌نهاد، توانست ناجی تمامیت ارضی عراق باشد. لذا بازنگری در رویکرد دین‌زدایی ضروری به نظر می‌رسد. زیرا نهادهای دینی عراق، نشان دادند که قادرند کشمگری فعال و تاثیرگذار باشند. تحولات گذشته و حال عراق، نشان می‌دهد دولت-ملت‌سازی بیرونی، نسخه مناسبی برای دستیابی ملت‌های خاورمیانه‌ای به صلح و ثبات نیست. ملت‌های خاورمیانه همچون ملت عراق، قربانی پروژه ناقصی شده‌اند که خود آغازگر آن نبوده‌اند. حس سرخوردگی از روایات تاریخی استعمار کهنه و تحقیرهای استعمارنو آنها را آزار می‌دهد. اما همچنانکه حملات غربی‌ها به دنیای اسلام به بهانه تروریسم راه به جایی نخواهد برد، سرزنش غربی‌هایی که مقصر بسیاری از شوربختی‌های خاورمیانه هستند هم مشکلی را حل نمی‌کند.

دولت-ملت‌سازی موفق در خاورمیانه نیازمند دو رویکرد مجزا و هم‌زمان است. رویکرد نخست باید مبتنی بر تخریب فضای گذشته و طرد روش‌های غلط سلطه و سرکوبگری باشد و رویکرد دیگر باید با روشی عقلانی و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، با محوریت قانون و به کارگیری تجارب دولت-ملت‌های موفق غیرغربی، به ساخت فضای جدید منجر شود.

در این صورت ملت‌های متمدن این منطقه با هم‌افزایی مراجع مذهبی و نخبگان متخصص و متعهد، و با به کارگیری خردجمعی، می‌توانند سیکل معیوب دولت-ملت‌سازی را متوقف کنند. آنها با اتکاء به باورها، هنجارها، سنت‌ها، پیشینه و تجربیات تاریخی درخشانی که دارند و در سایه

همگرایی و هم‌افزایی و توزیع منصفانه منافع، قادرند بدون مداخله دیگران، دولت-ملتی موفق و کارآمد را به منصفه ظهور رسانند.

References

- Alem, A. (2007). *Foundations of Political Research*. Tehran: Ney, 17th Edition. [In Persian]
- Ayub, M. (2002). The Problem of National Security in the Third World. Trans. By: M. Ahmad. *Strategic Studies Journal*, 5(2), 503-511.
- Banihashemi, M. (2004). The Nation-Building Process in the Middle East. in: *Middle East*, Vol. 1. Tehran: Abrar. [In Persian]
- Cordesman, A. (2014). The New Great Game in the Middle East: Looking Beyond the Islamic State and Iraq. Date Access: 3 March. Available at: http://csis.org/files/publication/140809_NewGreatGame.pdf
- Davoodvandi, N. (2020). Study of the Relationship between Regional Conflicts and Conflicts with the Nation-State-Building Process in the Middle East from 2000-2018. *PhD Thesis*. Karaj: Islamic Azad University of Karaj. [In Persian]
- Dodge, T. (2006). Iraq: Contradiction of Enogenous States- Building in Historical Perspective. *Third World Quarterly*, 27 (1): 185-195.
- Ellison, D. B. (2015). *Nationalism in the Arab Spring, Expression, Effects on Transition, and Implications for the Middle East State: A Comparative Analysis of Egypt and Libya*, New Haven: Yale University.
- Erdogan, R. (2016). at: <https://www.ruptly.tv/en/videos/20161022-043-Turkey-Mosul-and-Aleppo-belonged-to-Turks-Erdogan>
- Findlay, R. (1978). Relative Backwardness, Foreign Direct Investment and Transfer of Technology: A Simple Dynamic Model. *The Quarterly Journal of Economics*, 92(1), 1-16.
- Ghavam, A., Qeisari, M. (2012). Nationalism and State-Nation-Building in the Middle East. *Middle East Studies*, 19(4), 11-36. [In Persian]
- Ghavam, A., Zargar, A. (2008). *State-Building, Nation-Building, and the Theory of International Relations*, Tehran: Nafis. [In Persian]
- Ghorbaninejad, R., Farajizadeh, A. (2016). Analysis of the Geographical-Cultural Causes of Tension and Conflict in Middle East, 11(28), 165-189. [In Persian]
- Ghorbani Nejad, R. (2019). Analysis of the Structural Characteristics of the State

Government of Iraqi Kurdistan, *New Attitudes in Human Geography*, 11(4), 261-282. [In Persian]

- *Global Peace Index* (2020).at:

https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/GPI_2020_web.pdf

- Golchin. A. Amiri Moghadam. R. (2018). *Iraqi Security Sociology 2003-2015*, Tehran: University of Information and National Security. [In Persian]

- Gunter, M. M. (2013). The Kurdish Spring. *Third World Quarterly*, 34(3), 441-457 DOI: <https://doi.org/10.1080/01436597.2013.785339>

- Haghshenas, M., Yousefi, O. (2011). Opportunities and Challenges of Nation-Building in Afghanistan for Iran. *Research Letter of International Relations*, 3(13), 95-124.

- Haji Yousefi, A., Arefnejad, A. (2014). Signs of Suicide Operations in the Discourse Conflicts in Iraq. *Journal of Political Science*, 9(3), 75-110. [In Persian]

- Haji Yousefi. A. Hosein Nejad. A. (2018). The Fragility of State and the Disorder of Iraqi Society the Bedrock for the Emergence of ISIS, *Security Afagh Quarterly*. 11(38), 35-68. [In Persian]

- Hoseini Nejad. H. (2017). From the Common Enemy to the Common Points. *Basirat News*, Dec. 14, at: <https://basirat.ir/fa/news/307232/>. [In Persian]

- Hurewiz, J. (1979). *The Middle East and North Africa in World Politics: A Documentary Record - British-French Supremacy: 1914-1945*, New Haven: Yale University Press.

- Imam Jomehzadeh, S., Heshmati, A. (2014). The Failed nation-state in Egypt. *Political and International Approaches*, 5(37), 119-147. [In Persian]

- Jafari, A., Zolfagharian, V. (2014). National Security and Sustainable Development: The Post-Washington Paradigm. *World Politics*. 3(3), 65-97. [In Persian]

- Jafari. E. (2011), *The Experience of Government*. Trans. By B. Mohammad, Tehran: Noor. [In Persian]

- Kamrava, M. (2018). Hierarchy and Instability in the Middle East Regional Order. *International Studies Journal (ISJ)*, 14(4), 1-40.

- Kazemi, H. (2017). Identity Uprisings, Fragile States and Geopolitical Crises in the Middle East. *Geopolitics Quarterly*, 13(45), 146-172. [In Persian]

- Khaniki, H., Babaei, M. (2011). Cyberspace and Social Networks; Concept and Functions. *Information Society Studies*, 1(1), 71-96. [In Persian]

- Lawson. C. (2003). How Best to Build Democracy: Laying a Foundation for the New

- Iraq. *Foreign Affairs*, 82(4), at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/iraq/2003-07-01/how-best-build-democracy-laying-foundation-new-iraq>
- Lukitz, L. (1995). *Iraq: The Search for National Identity*. London: Frank Cass.
- Mahnam. S. Zaree Zahmatkash. S. (2013). The Social, Identity and Structural Challenges in the Middle East: the Case of Iraq . *The Journal of Foreign Policy*, 26(4), 1053-1074. **[In Persian]**
- Mahoutchian, S., Tayebi, S. (2019). Explaining the Dimensions of Environmental Protection in Light of International Development and Convergence. *International Studies Journal (ISJ)*, 16(3), 93-112. **[In Persian]**
- Mottaqhi, E. AlGhoban, M. (2017). Democratic State-Building and Integrated Nation-Building in Modern Iraq (2003-2015). *Security Afaq Quarterly*, 10(34), 11-138.
- Mousavi. H. (2011). Iraq Needs Iran's Role in Overcoming the Political Crisis. *Center for Scientific Research and Strategic Studies of the Middle East*, at: <https://www.cmess.ir/Page/View/2012-01-23/878> **[In Persian]**
- Pishgahi Fard, Z., Karimi, H. (2018). Investigating the Regional Consequences of the Referendum in Iraq. *Human Geography Research*, 50(4), 1029-1047. **[In Persian]**
- Pour Ezzat, A., Taheri Attar, G. (2010). Application of Good Governance for Nation-building in the Light of Interdisciplinary Studies, *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 50(4), 173-193. **[In Persian]**
- Pour Ezzat, A. (2008). *Fundamentals of Knowledge of Government and state Edition*, Tehran: Samt. **[In Persian]**
- Rahimi, M. (2012). Nation-Building Challenges in Afghanistan. *Blog of the Afghan Geopolitical Association*., at: <https://geo-af.blogspot.com/1391/09/18/post-23> **[In Persian]**
- Saadat, A., Bakhtiari. A., Mikaeli, M. (2012). Challenges of Nation-state_Building in Central Asia. *Policy Guide Quarterly*, 3(2), 183-207. **[In Persian]**
- Safarian, R., Imam Jomehzadeh, J. (2017). The model of Good Governance; Social Capital and Comprehensive Development. *Government Studies*, 3(12). 145-181. **[In Persian]**
- Samiee Isfahani, A. Norouzinjad, J. (2013). International Nation-state_Building and Political Violence in the New Iraq. *Iranian International Policy Research*, 2(1), 95-121. **[In Persian]**
- Samiei Isfahani, A. Kiani, A. (2014). Globalization and nation-state_building in post-

conflict countries; Iraq Research Sample . *Strategic Studies on Globalization*, 5(13), 7-48.

[In Persian]

- Sardarnia, K., Kiani, F. (2016). Analysis of the Syrian crisis from the perspective of social divisions. *Political Sociology of the Islamic World*, 4(1), 111-132. [In Persian]

- Sariol Qalam, .M. (2017). The International System and the New Geopolitics of the Middle East, *Journal of Political Science*. 12(1),101-139. [In Persian]

- Simber, R., MoradiKoladreh, S. (2015). Analysis of Internal Factors in the Expansion of Extremist Currents in the Middle East: A Case Study of Iraq. *Foreign Policy Quarterly*. 29(2). 53-80. [In Persian]

- Sinaee, V. (2016). The Unfinished Process of State-Nation_Buiding and the Growth of Regional Integration in the Persian Gulf. *Government Research*, 2(5). 29-62. [In Persian]

- Sotoudeh, M. Hemmat, B. (2019). Study of the Dimensions of Political Instability in Iraq, *Journal of Political Science*, 21(84), 63-92. [In Persian]

- Stephenson, C. (2005). Nation Building, *Beyond Intractability*, January, available at: https://www.beyondintractability.org/essay/nation_building/%3B

- Skocpol, T. (1974). *Steats and Social Revolutions*, Cambridge: Cambridge University Press

- Torabi, Q., Mohammadian, A. (2015). Explaining the Impacts of Iraq Developments on the Kurdistan Region. *Political Science Quarterly*, 18(72), 121-140. [In Persian]

- Wilgenburg, W. V. (2014). Kurds Divided over Syrian Autonomy, *Al-Monitor*, Feb. 5, at: <https://www.al-monitor.com/pulse/politics/2014/02/syria-kurds-self-administration-controversy.html>

- Wimmer, A. (2003), Democracy and Ethno-Religious Conflict in Iraq, *Global Politics and Strategy*, 45(4), 111-134, DOI: <https://doi.org/10.1080/00396330312331343606>

- Zarei, B., Ranjbari Chichouran, K. (2016). Analyzing the Challenges of the Kurdistan Region and the Central Government of Iraq and Its Impact on the Future of the Country. *Political Science Quarterly*, 47(4), 909-928. [In Persian]

- Zargar, A. (2007), "Models of Nation-State-Building; from European Model to Eurasian Model. *Political Science Quarterly*, 4(7), 97-160. [In Persian]

Archive of SID

Archive of SID